

مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌ها

مطالعه موردی: دانشگاه تهران

آطاهره شفقانی یامچلو^{۱*}، خدایار ابیلی^{۲*}، احد فرامرز قراملکی^{۳*} | طی دهه اخیر، مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمانی به گفتمان غالب و حاکم بر حوزه مدیریت سازمان‌ها تبدیل شده است و سازمان‌های بزرگ و معتبر جهانی، مسئولیت در برابر جامعه و محیط اجتماعی را جزئی از استراتژی سازمانی خود می‌بینند. در این سازمان‌ها، مسئولیت اجتماعی با هدف هدایت آن‌ها در راستای کمک به سلامت و رفاه جامعه، به طرق اخلاقی و شفاف، مورد توجه قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، برخی دانشگاه‌ها نیز به مسئولیت اجتماعی به عنوان رویکردی برای توسعه پایدار روی آورده و آن را در بیانیه مأموریت خود گنجانده‌اند. اعتقاد بر این است که دانشگاه‌ها می‌توانند با همکاری سازمان‌های داخلی و بین‌المللی و از طریق توسعه سرمایه‌های انسانی به تأثیر سازنده خود بر جامعه بیفزایند. در غیر این صورت، آینده‌ای نخواهند داشت. عناصر کلیدی سازمان دانشگاه، جامعه استادان و پژوهشگران هستند که تعیین‌کننده نقش کلیدی دانشگاه به عنوان مرکز توسعه انسانی از طریق تدریس و یادگیری هستند؛ مسئله اصلی این است که چطور و چگونه مسئولیت اجتماعی می‌تواند به طور خاص در دانشگاه‌ها پیاده‌سازی شود؛ یا به عبارتی، دانشگاه چگونه می‌تواند به صورت استراتژیک مسئولیت‌های اجتماعی خود را مدیریت کند. در این رابطه، پژوهشی با هدف مطالعه وضعیت موجود دانشگاه در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن، از دیدگاه اعضای هیئت علمی و بر اساس الگوی والایس صورت گرفت. پژوهش حاضر، در حیطه پژوهش‌های توصیفی از نوع پیمایشی است و در زمره مطالعه‌های موردی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشکده‌های واقع در شهر تهران «دانشگاه تهران» با تعداد ۱۵۹۳ نفر است که با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و به صورت تصادفی، تعداد ۱۳۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد مبتنی بر الگوی والایس (۲۰۰۸) است. پس از تأیید روایی صوری و محتوایی از دیدگاه متخصصان این حوزه، اعتبار ابزار از طریق تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار PLS بررسی و تأیید شد. همچنین، پرسشنامه از نظر پایایی، قابلیت اعتماد بالایی (۹ درصد)، داشت. در پایان، ضمن ارائه نتایج تحقیق، بر اساس تحلیل نتایج و الگو برداری از تجارب دانشگاه‌های سایر کشورها، جهت بهبود وضعیت مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران راهکارهایی ارائه شد که می‌تواند مورد استفاده سایر دانشگاه‌های کشور نیز قرار گیرد. **واژگان کلیدی:** مسئولیت اجتماعی بنگاهی / سازمانی، مسئولیت اجتماعی دانشگاهی.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت
آموزشی دانشگاه تهران
۲ استاد دانشگاه تهران
۳ استاد دانشگاه تهران
ghmaleki@ut.ac.ir



با تغییر پارادایم توسعه از توسعه اقتصادی به توسعه پایدار، نقش و کارکرد آموزش عالی دچار تحولات اساسی شده است. دیدگاه‌های نوین به سیاست‌های آموزش عالی، منجر به هدف‌گذاری‌های جدید و انتظارات جدیدتر از نقش دانشگاه‌ها شده است، چنان‌که با ورود به نسل سوم دانشگاه‌ها و ارتباط بیش‌ازپیش آن‌ها با صنعت و جامعه، مسئولانه عملکردن در قبال جامعه موضوعی است که با گسترش روزافزون اثرگذاری جامعه دانشگاهی بر محورهای تشکیل‌دهنده توسعه پایدار یعنی «اقتصاد»، «جامعه» و «محیط زیست» در سال‌های اخیر شدت گرفته است.

از آنجا که آموزش عالی از طرفی در محیط و بازار رقابتی کامل، بالغ و متنوع شده است و از سوی دیگر محیط ملی و جهانی آن در تحول ژرف، پر دامنه و مستمر قرار دارد؛ بنابراین دانشگاه‌ها برای رویارویی با چالش‌ها و فرصت‌ها، باید شکل و ساختار خود را تغییر دهند (Burcea & Marinescu, 2011). دانشگاه‌ها صرفاً فراهم‌کنندگان خدمات آموزشی و پژوهشی نیستند؛ بلکه شکل‌دهنده هویت افراد مسئولیت‌پذیر نسبت به کشور خود و سایر کشورهای جهان نیز هستند (Sullivan, 2003). بنابراین، دانشگاه‌ها نقش مهمی را در ایجاد توانایی نسل آینده به منظور دستیابی به موفقیت، رویارویی با پدیده جهانی‌شدن و رشد اقتصادی و ساخت آینده‌های پایدار برای مردم در سراسر جهان ایفا می‌کنند (Seto-Pamies et al., 2011).

در این راستا، مسئولیت اجتماعی دانشگاهی^۱ (USR)، به موضوع محوری بحث‌های تأثیرگذار در سازمان‌های مربوط به آموزش عالی در قرن بیست و یکم تبدیل شده است (Sawasdikosol, 2009). همان‌گونه که مبانی علمی مسئولیت اجتماعی دانشگاه، مؤید دیدگاه کمیسیون اروپا^۲ (۲۰۰۶) تأکید می‌کند، هر سازمانی تأثیراتی بر جامعه دارد و به میزان این تأثیر باید مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشد. بنابراین، دانشگاه نیز به‌مثابه یک سازمان باید، مسئولیت پیامدهای ناشی از استراتژی‌ها، ساختار، سیاست‌ها و عملکردهایش را برعهده بگیرد؛ لذا، به منظور درک بهتر الگوی نوین مدیریت دانشگاه، در نظر گرفتن دیدگاه کمیسیون اروپا حائز اهمیت است (Argandona, 2012). از منظر این دیدگاه، مسئولیت اجتماعی دانشگاهی به‌عنوان «تعهد ضمنی از جانب دانشگاه محسوب می‌شود که علت وجودی آن، گسترش و اجرای اصول و ارزش‌های عمومی و خصوصی از طریق عملکردهای دانشگاه از قبیل مدیریت، آموزش، پژوهش و پروژه‌های خارجی است و به این ترتیب، دانشگاه سعی در اجرای رضایت بخش مسئولیت‌های برگرفته از جامعه دارد»^۳ (Gonzalez & Martos Ghersevich, 2010; Vazquez et al., 2013). به عبارت دیگر، مسئولیت اجتماعی دانشگاهی به معنای ارائه خدمات آموزشی و گسترش دانش از راه اخلاقی است که در واقع، همان مدیریت شایسته، احترام و تعهد به جامعه است (Vazquez, et al., 2013).

حال آنکه دانشگاه در رابطه با مسئولیت اجتماعی تعهدی دوگانه دارد؛ اول اینکه دانشگاه به‌مثابه یک سازمان در جامعه فعالیت می‌کند؛ لذا شایسته است نسبت به مسائل اجتماعی چه از نظر روحی و روانی و چه از منظر مسائل زیست محیطی حساس بوده و در قبال جامعه درون سازمانی (اعضای هیئت علمی، کارکنان، مدیران و دانشجویان) و برون سازمانی خود (جامعه‌ای که به آن تعلق دارد) احساس مسئولیت کند. دومین تعهد و مهم‌تر آنکه، دانشگاه علاوه بر اینکه با تدوین استراتژی مسئولیت اجتماعی خود الگویی برای این امر مهم است، عهده‌دار وظیفه آموزش و ترویج فرهنگ مسئولیت اجتماعی به سازمان‌ها، شهروندان و جامعه نیز خواهد بود. لذا، شایسته است که دانشگاه هم در نقش سازمانی و نهادی خود، مسئولیت اجتماعی را رعایت کند و به آن پایبند باشد و هم با رفتار، برنامه‌ها و عملکردهایش مروج فرهنگ مسئولیت اجتماعی در سازمان‌ها و جامعه باشد. بنابراین، از منظر تمایزی که دانشگاه در رابطه با مسئولیت اجتماعی نسبت به سایر سازمان‌ها و بنگاه‌های کسب و کار دارد، نقش مهم‌تری را در جامعه ایفا می‌کند.

به تعبیر گاسکا و اولورا (۲۰۱۱) به همین دلیل است که دانشگاه‌ها تلاش می‌کنند به منظور تفکر درباره تأثیر دانشگاه بر دانش، ارزش‌ها و رفتار، به ترویج مسئولیت‌های سازمانی، مسئولیت‌های اجتماعی علمی و

1. University social responsibility

2. European commission

۳. از آنجایی که اصل مقاله به زبان اسپانیایی است در انعکاس دیدگاه گنزالز و مارتوس قرسویچ وامدار واژ کوییز و همکاران هستیم.

مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان بپردازند. از آنجایی که دانشگاه‌ها نقش مهمی در این مسئله دارند؛ باید در قبال دانشجویان، استادان، مدیران و کارکنان خود، سازمان‌های دیگر و فراتر از همه، جامعه، متعهد باشند (Vazquez et al., 2013). مباحث یاد شده نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی دانشگاه عنصر راهبردی در رهبری دانشگاه است. حال پرسش اصلی این است که چگونه رویکرد مسئولیت اجتماعی، می‌تواند به‌طور اخص در دانشگاه پیاده‌سازی شود؟ یا به عبارتی، دانشگاه چگونه می‌تواند به‌صورت استراتژیک مسئولیت‌های اجتماعی خود را مدیریت کند؟

تحلیل «مسئولیت‌پذیری» از جهات گوناگون دشوار است. همداستان نبودن دانشمندان و صاحب‌نظران در تعریف غالب مفاهیم و سازه‌ها در پدیدارهای اجتماعی، نوظهور بودن مفهوم مسئولیت اجتماعی، تحول و دگردیسی فراوان در این مفهوم، چند تباری بودن مسئله مسئولیت‌پذیری اجتماعی سبب دشواری در تعریف این مفهوم است. اگرچه مسئولیت اجتماعی دانشگاهی مفهوم نوظهور است اما آن بر اساس نیازهای جامعه، فرهنگ، دیدگاه‌ها و تغییرات محیطی گوناگون، بسط، تحول و توسعه یافته است. اختلاف دیدگاه در بیان مصادیق مسئولیت اجتماعی نیز بر این ابهام افزوده است؛ و به همین سبب تعریف‌های گوناگون از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. در ادامه به بیان اهم تعاریف ارائه شده، در رابطه با این مفهوم و تحلیل آن‌ها می‌پردازیم: تعریف نخست، (Amzten, 2009) از نروژ در تعریف مسئولیت اجتماعی دانشگاه می‌نویسد:

«رویکرد اخلاقی برای توسعه یک حس شهروندی مدنی و اجتماعی دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی دانشگاه به منظور ترویج تعاملات اجتماعی، زیست‌محیطی، محیط زیستی، فنی و اقتصادی برای یک جامعه پایدار و با دوام محلی و جهانی» (sawasdikosol, 2009).

تعریف آرنزتن را از چند جهت می‌توان نقد و تحلیل کرد: یک، این مفهوم‌سازی از مسئولیت اجتماعی آن را به‌صورت زنجیره‌ای از چهار عنصر به هم پیوسته می‌بیند: رویکرد اخلاقی، توسعه حس شهروندی همه افراد در دانشگاه، ترویج تعاملات اجتماعی و مانند آن و پایداری اجتماعی. اینکه رویکرد را اخلاقی و نه حقوقی و قانونی می‌داند، حاصل تطور مفهوم مسئولیت اجتماعی است. اما وی بیان نمی‌کند که مراد از رویکرد اخلاقی چیست و شامل چه فرایندها، سازوکارها و اقدام‌هایی می‌شود. رفع این ابهام ضروری است. انگاره‌های بسیار گوناگون و متخالف از رویکرد اخلاقی وجود دارد. عده‌ای آن را تنها پند و پیما و میثاق می‌انگارند و عده‌ای آن را مجموعه‌ای از سیاست‌ها، نظام‌ها، برنامه‌ها و اقدام‌ها می‌دانند که نیازمند به مدیریت است. دو، رویکرد آرنزتن در این تعریف فردگرایانه است و تنها به رشد حس شهروندی افراد در دانشگاه حصر توجه می‌کند. در حالی که توسعه مسئولیت‌پذیری خود دانشگاه به‌عنوان شهروند اهمیت دارد. اگر در مسئولیت اجتماعی دانشگاه نگرش سیستمی و سازمانی غایب باشد، رویکرد فردگرایانه ره به جایی نمی‌برد. به‌ویژه که امروزه سازمان‌دهی بسیاری از دانشگاه‌ها بر پایه دیدگاه سیستم‌های باز تحقق یافته است (تمایز سه دیدگاه سازمان‌دهی عقلایی، طبیعی و باز را (اسکات و ریچارد، ۱۳۸۹). اینکه یک سیستم باز است، تنها به این معنا نیست که این سیستم در تبادل با محیط است بلکه فراتر از آن به این معنی است که این تبادل برای زیست و بقای سازمان گریز ناپذیر است (Buckley, 1967). نقش مسئولیت‌پذیری خود دانشگاه در همه عناصر این سیستم باز اهمیت دارد. سه، توسعه حس شهروندی کانون اصلی مسئولیت اجتماعی است. رویکرد اخلاقی برای رشد حساسیت افراد به مسئولیت‌های شهروندی خویش است. آرنزتن در بیان توسعه حس شهروندی تنها به کسانی که در دانشگاه تربیت می‌شوند (دانشجویان)، بسنده نمی‌کند و کسان دیگری را نیز می‌آورد: منابع انسانی. وی اعضای هیئت علمی را به‌درستی از بقیه جدا می‌کند ولی مدیران را جدا نمی‌کند، در حالی که توجه به نقش شهروندی مدیران هم اهمیت دارد. چهار، می‌توان پرسید هدف از رشد حس شهروندی دانشگاهیان چیست؟ آرنزتن دو هدف را به‌صورت پلکانی بیان می‌کند. هدف نخست ترویج تعاملات اجتماعی، اقتصادی و... است. قید محیط رقابتی یا رقابت‌پذیری در این تعریف نیامده است. رقابت‌گریزی و رقیب‌ستیزی سبب اختلال در تعاملات اجتماعی و اقتصادی‌اند. ترویج این تعاملات در پی هدف دیگری است: جامعه پایدار. مفهوم پایدار قابل تحلیل

است. شاید مراد آنزتن از آن صرفاً بقای جامعه باشد. این تعبیر عاری از کیفیت زیست است. شاید در تعاریف دیگر برای رفع این نقیصه به جای جامعه پایدار توسعه پایدار آمده است.

تعریف دوم، (Noguera J. M (2010) بیان میدارد: مسئولیت اجتماعی دانشگاهی توانایی دانشگاه به عنوان یک نهاد برای نشر و اجرای مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها، از طریق چهار فرایند کلیدی: «مدیریت، آموزش، تحقیق و توسعه» است. در این مفهوم سازی نیز جای درنگ و تحلیل است:

۱. Noguera J. M مفهوم مهم «توانایی دانشگاه» را می آورد. آنچه در مسئولیت اجتماعی دانشگاه مهم است، رساندن دانشگاه به این توانایی است. غیبت قید «رویکرد اخلاقی» جای درنگ و نقد دارد، زیرا آمدن آن می تواند ماهیت همه تلاش‌های معطوف به دستیابی به توانایی را تعیین کند. قید ارزش‌ها که در ادامه تعریف آمده است می تواند به رویکرد اخلاقی اشاره کند، به شرط آن که مراد از آن ارزش‌های اخلاقی باشد. تحقق مسئولیت اجتماعی در گرو توانایی خاص دانشگاه است. به عنوان مثال دانشگاه گرفتار به بروکراسی سنگین از دستیابی به آن ناتوان است و چابکی سازمان دانشگاه از شرایط توانایی است. دانشگاه از طریق فرایند به هم پیوسته‌ای از پژوهش، آموزش، توسعه و مدیریت به این مهم دست می یابد.

۲. در مفهوم «توانایی دانشگاه» رویکرد سازمانی نهفته است. این عنصر در تعریف پیشین غایب است. گفتیم: مسئولیت اجتماعی دو رویکرد عمده دارد: فردگرایی و سازمانی. استراتژیست‌ها و رهبران در بنگاه‌های کسب و کار این نکته مهم را دریافته‌اند که مسئولیت اجتماعی و اخلاقی عنصر راهبردی سازمان است و لذا آن در استراتژی سازمان باید جای داشته باشد. دستیابی به مسئولیت اجتماعی تنها از رشد حس شهروندی افراد بر نمی آید. سازمان نیز باید با همه عناصرش مانند، استراتژی، رسالت، مأموریت، اهداف و آرمان، رسالت، خط‌مشی‌ها، منابع انسانی، برنامه‌ها و اقدام‌ها سازگار با مسئولیت اجتماعی باشد.

۳. قید نشر و اجرای مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها تا حدودی مبهم است. مراد از اجرا، تحقق است. آیا مراد از نشر و اجرا در درون دانشگاه است یا بیرون آن؟ آیا مراد این است که دانشگاه توانایی می یابد تا مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های اجتماعی را در جامعه نشر و تحقق دهد؟ یا مراد این است که دانشگاه با نشر و اجرای اصول اخلاقی و ارزش‌ها در درون سازمان خود توانایی تحقق مسئولیت اجتماعی را داشته باشد؟

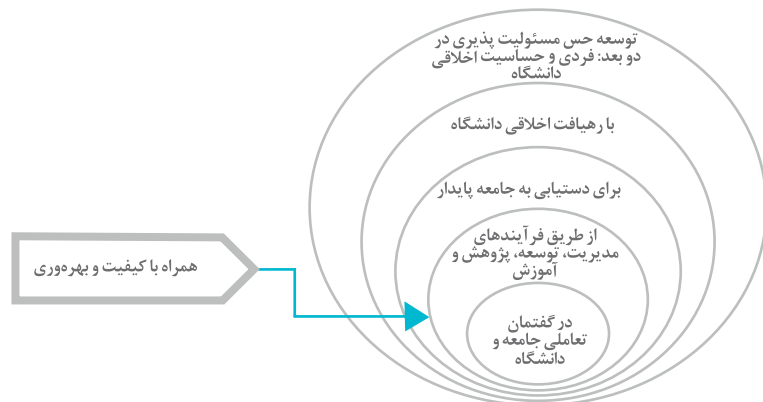
مفهوم نوین مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، از نظر (Herrera (2009 یک قدم فراتر می رود و معتقد است که بین اهداف بنیادی دانشگاه‌ها و محیطی که در آن عمل می کند، باید هم خوانی وجود داشته باشد. در واقع، این امر به منفعت اجتماعی دانش اشاره دارد که باید منجر به بهبود کیفیت زندگی شود. از نظر هرا، مسئولیت اجتماعی دانشگاهی یک دیدگاه دو طرفه بین دانشگاه و جامعه است که موجب تشدید استفاده مؤثرتر از دانش بین جامعه و اقتصاد آن می شود (T.L. Shek et al., 2017).

بررسی منابع مختلف و متعدد در مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، نشان می دهد تعریف زیر جامع تر است: «خط‌مشی کیفیت اخلاقی عملکرد جامعه دانشگاهی، از طریق مدیریت مسئول تأثیرات آموزشی، شناختی، سازمانی، کاری و زیست محیطی حاصل از دانشگاه در گفت‌وگویی تعاملی با جامعه به منظور ترویج و بهبود توسعه انسانی پایدار» (Reiser J, 2008). در این تعریف سه مفهوم مهم و کلیدی، کیفیت، توسعه و گفت‌وگویی تعاملی آمده و یک مفهوم مهم دیگر نیامده است. اگر خط مشی کیفیت اخلاقی عملکرد جامعه دانشگاهی و دانشگاه بیان می شد، مسئولیت پذیری هم شامل دانشگاهیان (افراد) و هم شامل دانشگاه (سازمان) می شد. قید اخلاق در کیفیت نقش مهم دارد و آن را می توان در برابر کیفیت حرفه‌ای عملکرد ژرف تر فهمید. قید انسانی در توسعه پایدار نیز اهمیت دارد. اهمیت آن را با توجه به چالش‌های فراوان و تاریخی در دیدگاه‌های توسعه به‌ویژه نقدهای اخلاقی بر این دیدگاه‌ها می توان فهمید.

مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی. بر پایه تحلیل تعریف‌های یاد شده از مسئولیت اجتماعی دانشگاه می توان چند مؤلفه مهم و تا حدودی مورد وفاق را فهرست کرد (شکل ۱): توسعه حس مسئولیت پذیری در دو بعد فردی (شامل دانشجویان و همه منابع انسانی دانشگاه) و حساسیت اخلاقی دانشگاه به مثابه شهروند

مسئولیت اجتماعی
دانشگاهی توانایی
دانشگاه به عنوان يك
نهاد برای نشر و
اجرای مجموعه‌ای
از اصول و ارزش‌ها،
از طریق چهار فرایند
کلیدی: «مدیریت،
آموزش، تحقیق و
توسعه» است

مسئولیت‌پذیر؛ رهیافت اخلاقی دانشگاه؛ برای دستیابی به جامعه پایدار (به مثابه هدف)؛ از طریق فرایندهای مدیریت، توسعه، پژوهش و آموزش، (دو مفهوم کیفیت و بهره‌وری در این فرایندها نقش کانونی دارند)؛ در گفتمان تعاملی جامعه و دانشگاه.



شکل (۱) پنج مؤلفه اصلی مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاه

Vasilescu et al (2010) و اسلیسکو و همکاران مقاله‌ای را با عنوان «توسعه مسئولیت اجتماعی دانشگاهی: مدلی برای چالش‌های جامعه مدنی نوین»، عرضه داشتند. هدف این مقاله تشریح تغییر رویکرد از مسئولیت اجتماعی سازمانی به سمت مسئولیت اجتماعی دانشگاهی است، از رهگذار ارائه یک چارچوب مفهومی پیرامون مسئولیت اجتماعی و دانشگاه به‌مثابه یک گونه خاص از سازمان، که بایستی همانند دیگر سازمان‌ها خود را با استراتژی مسئولیت اجتماعی وفق دهد، تا انتظارات افراد ذی‌نفع (دانشجویان کنونی، دانشجویان آتی، حامیان و غیره) را برآورده سازد. این مقاله از سویی دیگر مدلی عمومی برای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی در بستر جهانی شدن ارائه می‌کند و مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاهی مذکور را با در نظر گرفتن واقعیت‌ها و چالش‌های سیستم آموزش عالی در رومانی، بسط و توسعه می‌دهد.

Ahmed (2012)، پژوهشی با عنوان «آیا دانشگاه می‌تواند به‌عنوان یک راهبر در مسئولیت اجتماعی سازمانی نقش ایفا کند؟» را در مالزی انجام داد. این مقاله در صدد این بود تا ارتباط بین مسئولیت اجتماعی سازمانی^۱ و ایجاد ظرفیت برای زندگی پایدار را تعیین کند؛ با این رویکرد که چگونه ذی‌نفعان دانشگاه از قبیل دانشجویان می‌توانند در توسعه مسئولیت اجتماعی سهم بسزایی داشته باشند. در این پژوهش، مسئولیت اجتماعی دانشگاه^۲ میان چهارده مؤسسه آموزش عالی دولتی و خصوصی در مالزی بررسی شد. نتایج نشان دادند که در مجموع افراد مورد آزمون از نیاز به حفاظت از محیط زیست و از نقشی که مسئولیت اجتماعی سازمانی در توسعه هرچه بیشتر ایجاد جامعه‌ای پاسخگو و مسئولیت‌پذیر ایفا می‌کند، آگاه‌اند. اما در این راستا با فقدان فعالیت‌هایی از جانب جامعه دانشگاهی، روشن شد که صرف اطلاع از حفاظت از این موارد، جهت پیشبرد و توسعه مسئولیت اجتماعی از سوی دانشگاه کافی نیست و پیرامون این مسئله راهکارهایی جهت بهبود ارائه شد.

Lenuta Rus, Claudia et al (2014)، مقاله‌ای را تحت عنوان «سازمان یادگیرنده و مسئولیت اجتماعی در مؤسسات آموزش عالی رومانی» ارائه کردند. این مطالعه رابطه میان سازمان یادگیرنده و مسئولیت اجتماعی دانشگاه را بررسی کرد؛ بدین منظور رابطه سه گروه ذی‌نفعان داخلی را مطالعه کرد: دانشجویان، کارکنان با نقش‌های رهبری، نظارت، ارزیابی و کنترل و همچنین کارکنان درگیر در توسعه برنامه‌های آموزشی؛ ابعاد مختلف سازمان یادگیرنده در جات متفاوتی از ارتباط با مسئولیت اجتماعی دانشگاه را ارائه کرد. این روابط بنابر عضویت در سازمان رسمی متفاوت است. نتایج این پژوهش نقش دانشگاه‌ها را نه تنها به‌عنوان سازمان‌هایی که در آن یادگیری و آموزش رخ می‌دهد، بلکه به‌مثابه سازمان‌های یادگیرنده‌ای روشن می‌سازد که قادر به داشتن

1. CSR
2. USR

دوره مسئولیت اجتماعی در فرایند شکل‌گیری و توسعه حرفه‌ای خود هستند.

Vazquez, J. L. et al (2014)، مقاله‌ای را تحت عنوان «آیا دانشجویان از مسئولیت اجتماعی دانشگاه آگاه‌اند؟» برخی دیدگاه‌ها را از یک بررسی در دانشگاه اسپانیا» عرضه کردند. هدف اصلی این مقاله شناسایی عواملی بود که به واسطه آن به تعریف ادراک دانشجویان نسبت به مسئولیت اجتماعی دانشگاه^۱، پردازد و پیامدهای آن را برای طراحی استراتژی‌های بازاریابی دانشگاه بحث و بررسی کند. برای انجام این کار، مطالعه‌ای مبتنی بر گزارشات شخصی از ۴۰۰ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه لئون در اسپانیا صورت گرفت. نتایج ارائه شده نشان داد که دانشجویان بین جنبه‌های مختلف مسئولیت اجتماعی دانشگاه تمایز قائل بوده‌اند، اما تنها یکی از این جنبه‌ها بر برداشت کلی آن‌ها تأثیر گذاشته و آن مورد مدیریت داخلی بود. از منظر بازاریابی دانشگاه، نکات حاصل از نتایج به دست آمده نشان‌دهنده نیاز به کار بیشتر به جهت افزایش مشارکت در اقدامات گسترده مسئولیت اجتماعی دانشگاه و بهبود وضعیت آموزشی دانشجویان در حوزه پایداری و مسئولیت اجتماعی بود؛ که به منظور دستیابی به استانداردهای بالاتری از کیفیت، رضایت و اعتبار دانشگاه، اهمیت دارد

Atakan & Eker (2014)، پژوهش خود را با عنوان «هویت سازمانی یک دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی: یک مطالعه موردی در زمینه بخش آموزش عالی ترکیه» عرضه کردند. این مطالعه به تشریح طرح‌های مسئولیت اجتماعی در یکی از مؤسسات آموزش عالی ترکیه می‌پردازد. پژوهش مذکور از نوع مطالعات کیفی است که در این راستا شرحی عمیق از نحوه طرح‌ریزی فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی در قالب برنامه هویت سازمانی دانشگاه بگیلی استانبول ارائه داده است. به منظور گردآوری داده‌های اولیه مصاحبه‌هایی عمیق با افراد دانشگاهی اعم از پرسنل، مدیران مسئول در برنامه هویت سازمانی و پروژه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه صورت گرفت. از مصاحبه‌شوندگان در خصوص اطلاعات مربوط به انگیزه‌های مدیریت هویت سازمانی و به‌ویژه دلایل مشارکت در فعالیت‌های بشردوستانه به عنوان بخشی از مدیریت هویت سازمانی سؤالاتی پرسیده شد. مصاحبه‌ها به نوعی تمامی فعالیت‌های بشردوستانه، نحوه اجرا و برآیند آن در زمینه منافع مربوط به جامعه، دانشگاه، واحدها و نیز دانشجویان درگیر در این پروژه‌ها را پوشش می‌داد. علاوه بر مصاحبه با عاملان اصلی، از اسناد سازمانی موجود در قالب کتاب راهنمای دانشجویان و نشریات مربوطه نیز به منظور منابع گردآوری داده‌های ثانویه درباره گزارش مأموریت دانشگاه و فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی بهره گرفته شد. اصلی‌ترین یافته در این پژوهش این بود که فعالیت‌های بشردوستانه یکی از عناصر اصلی برنامه هویت سازمانی دانشگاه استانبول است و این دانشگاه، انگیزه‌های نوع‌دوستانه برای طرح‌های مسئولیت اجتماعی خود دارد؛ یافته‌های این پژوهش جهت پیاده‌سازی مسئولیت اجتماعی در سایر دانشگاه‌ها حائز اهمیت است.

Alaa Tag Eldin (2015)، مقاله خود را با عنوان «چارچوبی برای مسئولیت اجتماعی و پایداری دانشگاه: مورد مطالعه دانشگاه سوئد» ارائه داد. هدف این مطالعه ایجاد یک چارچوب برای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی و پایداری، با تمرکز بر دانشگاه سوئد ولی به عنوان مطالعه موردی در دانشگاه‌های مصر بود. چارچوب پیشنهادی، مسئولیت اجتماعی را با مدیریت استراتژیک از طریق حفظ و پایداری چشم‌انداز، اهداف، ارزش‌ها، مأموریت‌ها و سیستم‌های مدیریتی، تحلیل مسائل سیاسی، ممانعت از اقدامات، ارزیابی خدمات و پیشرفت همکاری‌های اجتماعی با ذی‌نفعان برای رفع نیازهای حال و آینده جامعه و محیط زیست تلفیق می‌کرد؛ چارچوب پیشنهادی ذی‌نفعان را نیز شامل می‌شد به طوری که با ذی‌نفعان متفاوت اعم از داخلی و خارجی مرتبط بود. شیوه مطالعه در این پژوهش کیفی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که این دانشگاه، مسئولیت و پایداری اجتماعی را در برنامه‌های استراتژیک خود لحاظ کرده و در این زمینه خط‌مشی‌ها و فعالیت‌هایی دارد؛ اما فاقد ساختار و بودجه‌بندی مناسب است که در این راستا پیشنهاداتی را جهت بهبود عرضه می‌دارد؛ لذا چارچوب پیشنهادی در این پژوهش می‌تواند برای محققین و تصمیم‌گیرندگان دانشگاه‌های مصر ارزشمند باشد.

به رغم اهمیت و ضرورت مسئولیت اجتماعی دانشگاهی متأسفانه در دانشگاه‌های ایران، به پیاده‌سازی

به رغم اهمیت و ضرورت مسئولیت اجتماعی دانشگاهی متأسفانه در دانشگاه‌های ایران، به پیاده‌سازی رویکرد مسئولیت اجتماعی توجه چندانی نشده و به منظور تدوین الگوی مناسب عملی، در این رابطه تلاش خاصی صورت نگرفته است

رویکرد مسئولیت اجتماعی توجه چندانی نشده و به منظور تدوین الگوی مناسب عملی، در این رابطه تلاش خاصی صورت نگرفته است. صرفاً در برخی پژوهش‌ها به مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها توجه شده که آن‌ها نیز از الگوهای عمومی مسئولیت اجتماعی بنگاهی/سازمانی (CSR)، بدون توجه به وجه تمایز دانشگاه با دیگر سازمان‌ها، بهره برده‌اند. با توجه به تفاوت در رسالت، اهداف، ارزش‌ها، فرایندها، سیاست و خط مشی‌های سازمان‌های مختلف، ابعاد و مؤلفه‌های «مسئولیت اجتماعی» نیز از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. حال درمورد دانشگاه که مأموریت آموزش، پژوهش و ارائه خدمات حرفه‌ای، تخصصی و اجتماعی را عهده‌دار است؛ به علاوه از طریق تربیت نیروهای متخصص و دانشگر بستر توسعه جامعه را نیز فراهم می‌سازد، تمایزی اساسی با سازمان‌ها و بنگاه‌های کسب‌وکار وجود دارد؛ بنابراین به کارگیری مدل‌ها و ابعاد عمومی مسئولیت اجتماعی بنگاهی/سازمانی، در رابطه با مسئولیت اجتماعی دانشگاه نمی‌تواند به روشنی اهداف، فرایندها و مأموریت‌های یک دانشگاه را منعکس نماید. این در حالی است که از دانشگاه به‌عنوان ارائه دهنده بالاترین سطح آموزش در جامعه (آموزش عالی)، انتظار می‌رود که بیش از هر نهاد دیگری، در تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیر بگذارد و در ارتقای بخش‌های مختلف آن بکوشد؛ لذا، دانشگاه‌ها نیاز به یک راهنمای عملی در رابطه با پیاده‌سازی و مدیریت استراتژیک مسئولیت اجتماعی خود دارند. در این راستا، با مطالعه و بررسی مبانی نظری، ابعاد و تجارب مرتبط، به الگوی جامعی دست یافتیم که فراتر از سطح تجارب فرد فرد دانشگاه‌ها، قدم گذاشته و قادر است مواردی را پوشش دهد که به‌طور کلی و در مجموع در تجارب دانشگاه‌ها که هریک به بخشی از ابعاد مسئولیت اجتماعی دانشگاه توجه کرده‌اند، نمی‌توان یافت.

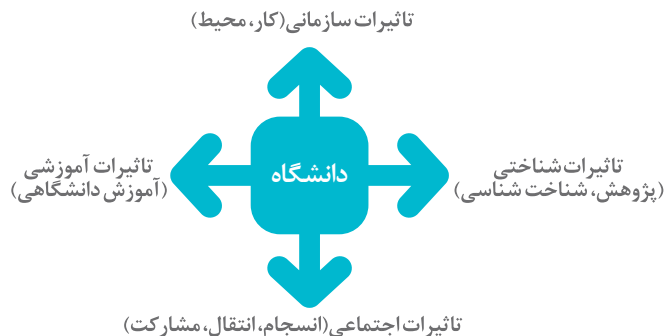
الگوی مذکور که کاربردی‌ترین و مشهورترین مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاهی است، همچنین جامعیت لازم را دارد، مبتنی بر تأثیرگذاری دانشگاه بر ذی‌نفعان داخلی و خارجی خود است که توسط والایس در سال ۲۰۰۸، طراحی شد. این الگو بر مبنای مدیریت تأثیرات نهادی دانشگاه شکل گرفته و به این نکته که دانشگاه چه تأثیراتی بر محیط و جامعه دارد و اینکه برای ایجاد تأثیرات مثبت از دانشگاه چه باید کرد، اشاره دارد. همچنین مزیت و برتری الگوی مورد نظر از این لحاظ حائز اهمیت است که به‌طور اخص، ابعاد و عوامل اصلی مسئولیت اجتماعی دانشگاه را متناسب با بافت و حیطه وظایف و رسالت‌های دانشگاه بیان می‌کند و قادر است به‌عنوان راهنمای عملی مؤثری در شناسایی وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها، بهبود، پیاده‌سازی و مدیریت آن مورد استفاده قرار گیرد.

به تعبیر Vazquez et al (2013) توسعه یافته‌ترین الگوی موجود در زمینه مسئولیت اجتماعی دانشگاه، الگوی مبتنی بر تأثیرگذاری است که از منظر کسب‌وکار، موجب اتصال مسئولیت اجتماعی به روشی می‌شود که در آن سازمان‌ها به مدیریت تأثیرات خود بر افراد، جامعه، اقتصاد و طبیعت اطرافشان می‌پردازند. به‌خصوص مشخص می‌شود که دانشگاه‌ها باعث ایجاد چهار نوع تأثیر مختلف در اطراف خود می‌شوند که عبارت‌اند از: «آموزشی، شناختی، سازمانی و اجتماعی». لازم به ذکر است که تأثیرات آموزشی و شناختی صرفاً از دانشگاه‌ها به‌مثابه یک سازمان نشئت می‌گیرند؛ در حالی که تأثیرات اجتماعی و سازمانی می‌توانند توسط دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌های کسب‌وکار ایجاد شوند. بنابراین در الگوی مذکور وجه تمایز دانشگاه با دیگر سازمان‌ها در رابطه با مسئولیت اجتماعی نیز لحاظ شده است. بیان این نکته حائز اهمیت است که الگوهای مسئولیت اجتماعی بنگاهی/سازمانی، تنها قادرند به لحاظ تأثیر سازمانی، یک دانشگاه مسئول را در «جهان آرمانی وایدنآل»^۲ ترسیم کنند، اما در رابطه با دیگر تأثیرات ذکر شده از دانشگاه، قادر به ارائه روش دستیابی به مسئولیت اجتماعی دانشگاهی نیستند؛ حال آن که الگوی مورد نظر به‌عنوان یک الگوی جامع و بسیط به‌طور اخص بر مدیریت چهار نوع تأثیر دانشگاه به شرح زیر تأکید می‌ورزد (شکل ۲):

۱. تأثیرات سازمانی درونی که بر جامعه دانشگاهی و محیط تأثیر می‌گذارند (تأثیرات سازمانی)؛
۲. تأثیرات علمی و آکادمیک مربوط به آموزش افراد (تأثیرات آموزشی)؛

1. Corporation social responsibility
2. Utopia world
3. Organizational impacts
4. Educational impacts

۳. تأثیرات علمی و آکادمیک مربوط به دانش آفرینی (تأثیرات شناختی)؛
۴. تأثیرات سازمانی بیرونی که به طور کلی بر جامعه اثر می گذارند (تأثیرات اجتماعی)².



شکل (۲) تأثیرات چهارگانه دانشگاه (والایس، ۲۰۰۸)

تأثیرات سازمانی: همانند هر سازمان دیگری، دانشگاه نیز بر زندگی جامعه دانشگاهی خود اعم از کارکنان اداری، اعضای هیئت علمی و دانشجویان اثر می گذارد. شیوه‌ای که دانشگاه برای سازماندهی امور عادی خود پیش می گیرد نیز تأثیرات زیست محیطی از نظر هدررفت، جنگل زدایی، هزینه‌های انرژی، هزینه‌های حمل و نقل و مانند این‌ها دارد. تأثیرات سازمانی هم محیط زیست و هم افراد را تحت تأثیر قرار می دهد. دانشگاه مسئول ردپای محیطی و اجتماعی خود را مورد توجه قرار می دهد و از خود می پرسد، ارزش‌هایی که ما در فضای دانشگاه روزانه با آن‌ها زندگی می کنیم، کدام‌اند؟ چگونه می توانیم به شیوه‌ای مسئولانه در فضای دانشگاه زندگی کنیم و برای طبیعت و شأن و رفاه جامعه دانشگاهی اهمیت قائل شویم؟

تأثیرات آموزشی: دانشگاه برای افراد جوان و حرفه‌ای‌ها، آموزش‌هایی تدارک می بیند و بر اخلاق، ارزش‌ها و خوانش آن‌ها از جهان و شیوه رفتار آن‌ها تأثیر می گذارد. همچنین دانشگاه بر نظام اخلاقی تأثیر دارد و آگاهانه یا ناآگاهانه، اصول اخلاق حرفه‌ای و نقش‌های اجتماعی فردی را نشان می دهد. دانشگاه‌های مسئول از خود می پرسند که چه نوع از افراد حرفه‌ای و شهروندانی را شکل می دهند؟ همچنین، درباره نظام مناسب آموزشی که دانشجویانی مسئول از نظر اجتماعی را پرورش دهد، تأمل می کنند. آن‌ها از خود می پرسند، ما چه نوع از مردمان و افراد حرفه‌ای را آموزش می دهیم؟ چگونه نظام آموزشی خود را ساختار بندی می کنیم تا شهروندانی بسازد که برای پایداری بشر اهمیت قائل شوند؟ آیا فارغ التحصیلان ما قادر و مایل خواهند بود که وضعیت بی ثبات و نامناسب در حال گذار توسعه جهانی را در مسیر دیگری قرار دهند یا فقط می خواهند شغلی پیدا کنند؟

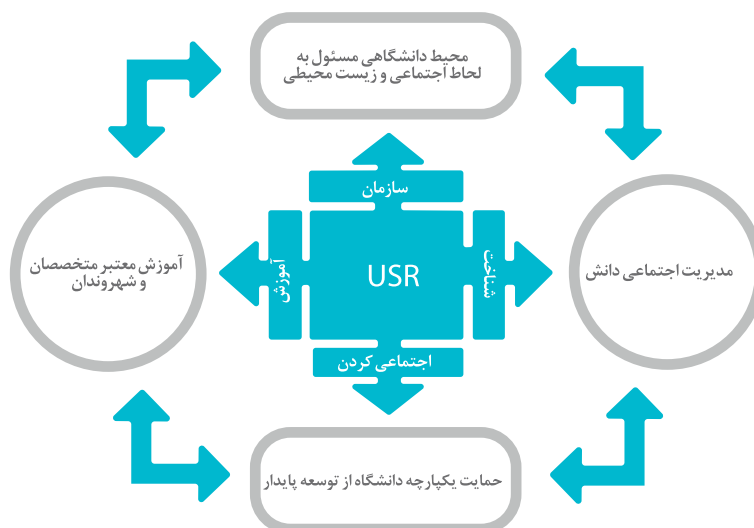
تأثیرات شناختی: دانشگاه‌ها تولید و ترویج دانش را پیش می برند و بر تعاریف مواردی که ما عمدتاً با نام حقیقت، علم، عقلانیت، مشروعیت، سودرسانی، آموزش و مانند این‌ها می شناسیم، اثر می گذارند. آن‌ها چارچوب بندی و مستقل سازی دانش را به واسطه محدود کردن گستره و حوزه هر رشته یا تخصص، ترغیب می کنند. آن‌ها با کنترل اجتماعی و تخصیص دانش، رابطه میان علم و تکنولوژی و جامعه را تحکیم و انسجام می بخشند. دانشگاه‌های مسئول، درباره نوع دانشی که تولید می کنند، ارتباط اجتماعی‌شان و فواید آن از خود سؤال می کنند، ما چه دانشی را به چه دلیل و برای چه کسی تولید می کنیم؟ ما چه نوع علمی را می پروانیم؟ یک علم آزاد یا علمی که صرفاً در دست نخبگان است؟ شایسته است چه دانشی را تولید کنیم و چگونه می توانیم آن را برای رسیدن به کاستی‌های شناختی که مانع توسعه پایدار می شوند، انتشار دهیم؟

تأثیرات اجتماعی: دانشگاه یک مرجع اجتماعی است که ممکن است موجب رشد شود؛ سرمایه اجتماعی شود؛ دانشجویان را برای واقعیات دنیای خارج آماده سازد؛ دسترسی به دانش را مهیا کند و مانند این‌ها. در مقابل،

مسئولیت اجتماعی
دانشگاهی، شروع
یک نهضت جدید
در ایران است.
خوشبختانه دانشگاه
تهران مسئولیت
اجتماعی را به مثابه یک
تعهد ملی برای خود
الزام کرده و تأکید
بر ارتقای اخلاق
و مسئولیت پذیری
اجتماعی در اهداف سه
گانه سومین برنامه
راهبردی پنج ساله
دانشگاه (۱۳۹۹-
۱۳۹۵)، مورد توجه
قرار گرفته است

دانشگاه ممکن است در را از داخل ببیند و در انتقال دانش بدون ارتباط با چارچوب کاری خود، همانند یک «سلول دانشگاهی» عمل کند. ممکن است بخواهد پیرو آنچه در سطح بین المللی انجام می شود باشد، یا نسبت به اطراف خود بی توجه باشد یا ممکن است به گونه ای مستمر به اطراف خود عمیقاً مرتبط و متصل باشد و در صدد حل مسائل ویژه خود بر آید. دانشگاه مسئول از خود درباره چگونگی کمک به توسعه اجتماعی و حل مسائل اساسی آن سؤال می کند؛ چه نقشی می تواند در توسعه جامعه داشته باشد، چرا و با چه کسی؟ دانشگاه چگونه می تواند با ارائه تخصص های ویژه و کارهای ویژه خود، در پیشرفت اجتماعی نقش داشته باشد و آموزش و دانش را برای مسئولیت اجتماعی محلی ترویج دهد؟ برای کسب مسئولیت اجتماعی محلی باید با چه کسی در ارتباط باشد؟ به تعبیر والایس (Vallaeyse 2009) چهار تأثیر ذکر شده در فوق دانشگاه ها را قادر می سازد، به تعریف حوزه های چهارگانه ای (شکل ۳)، بپردازد که دانشگاه از نظر اجتماعی، مسئولیت مدیریت آن ها را بر عهده دارد:

۱. محیط دانشگاهی مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی^۱، (تأثیرات سازمانی)؛
۲. آموزش معتبر و مسئولانه متخصصان و شهروندان^۲، (تأثیرات آموزشی)؛
۳. مدیریت اجتماعی دانش^۳، (تأثیرات شناختی)؛
۴. حمایت یکپارچه دانشگاه از توسعه پایدار^۴ (تأثیرات اجتماعی).



شکل (۳) حوزه های مسئولیت اجتماعی در دانشگاه ها

مطالعه موردی (دانشگاه تهران)

مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، شروع یک نهضت جدید در ایران است. خوشبختانه دانشگاه تهران مسئولیت اجتماعی را به مثابه یک تعهد ملی برای خود الزام کرده و تأکید بر ارتقای اخلاق و مسئولیت پذیری اجتماعی در اهداف سه گانه سومین برنامه راهبردی پنج ساله دانشگاه (۱۳۹۹-۱۳۹۵)، مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود، در دانشگاه تهران نیز مانند سایر دانشگاه های کشور، تاکنون در جهت تدوین الگوی مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، تلاشی صورت نگرفته است. این در حالی است که دانشگاه های بسیاری از کشورها، به پیاده سازی رویکرد مسئولیت اجتماعی متعهد هستند و متناسب با بستر جامعه شان، برای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی خود، الگوهایی را طراحی کرده اند. لذا، به لحاظ جایگاه ویژه دانشگاه تهران که به عنوان دانشگاه مادر و نماد آموزش عالی ایران در کشور شناخته می شود، ضرورت توجه آن به مسئولیت اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این راستا، پژوهشی در دانشگاه تهران، با هدف اصلی «بررسی وضعیت موجود دانشگاه در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن از دیدگاه اعضای هیئت علمی»^۵ انجام شد. بدین منظور، پس از مطالعه و بررسی مبانی نظری مرتبط،

1. A socially and environmentally responsible campus
2. The responsible education of professionals and citizens
3. Social management of knowledge
4. Solidary university supportive of sustainable development
۵. پایان نامه کارشناسی ارشد طاهره شقایق بامجلو، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.

تجارب دانشگاه‌های مختلف دنیا و پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه، نهایتاً بر اساس الگوی مسئولیت اجتماعی دانشگاهی والایس، وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران بررسی شد. از آنجایی که، ایفای نقش‌های چندگانه دانشگاه، بیش از همه، بر عهده اعضای هیئت علمی، به عنوان محوری ترین هسته دانشگاه است و بر اساس دیدگاه برخی از صاحب نظران، اعضای هیئت علمی تقویت کنندگان فرهنگ، مهندسان توسعه اقتصادی، تولید کنندگان علم و کاشفان فناوری هستند که جوامع انسانی را متحول و توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی کشورها را تسریع می کنند لذا، جامعه هیئت علمی می تواند منبع مناسب تری برای ارزیابی وضعیت دانشگاه در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن باشد (فراست خواه، ۱۳۹۲).

برای نیل به هدف مذکور سؤالات زیر مطرح می شود:

۱. وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی چگونه است؟
۲. وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با هریک از حوزه های مسئولیت اجتماعی آن چگونه است؟
۳. راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه کدام اند؟

روش پژوهش

پژوهش پیش رو، به لحاظ ماهیت و هدف کاربردی و از حیث روش گردآوری داده ها توصیفی - پیمایشی است همچنین در زمره مطالعات موردی قرار می گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشکده های واقع در شهر تهران «دانشگاه تهران» است که به صورت تمام وقت در این دانشگاه مشغول تدریس، پژوهش و مشاوره تخصصی هستند. بر اساس آخرین آمار و اطلاعات موجود در معاونت برنامه ریزی و فناوری اطلاعات دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴، در مجموع تعداد آن ها ۱۵۹۳ نفر عضو هیئت علمی است که با استفاده از روش نمونه گیری چندمرحله ای و تصادفی و اعمال فرمول کوکران، نمونه ای به حجم ۱۳۸ نفر انتخاب شد. به منظور نظرسنجی اعضای محترم هیئت علمی در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران، از ابزار استاندارد مبتنی بر الگو (پرسشنامه سنجش مسئولیت اجتماعی دانشگاهی)، بهره گرفته شد (Vallaeyse, 2009). به منظور بررسی روایی و اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه، از نظر متخصصان استفاده شد. همچنین از طریق محاسبه آلفای کرونباخ (۰/۹) قابلیت اعتماد ابزار به دست آمد. شایان ذکر است، به وسیله این ابزار، سنجش دیدگاه اعضای هیئت علمی در چهار حوزه «دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی، آموزش معتبر و مسئولانه متخصصان و شهروندان، مدیریت اجتماعی دانش و مشارکت اجتماعی و حمایت یکپارچه دانشگاه از توسعه پایدار» صورت گرفت و نتایج بر این اساس تحلیل شد.

یافته های پژوهش

به منظور مطالعه وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه و هر یک از مؤلفه های آن از آزمون t تک نمونه ای بهره گرفته شد.

جدول (۱) نتایج آزمون t تک نمونه ای برای متغیر مسئولیت اجتماعی دانشگاه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t
مسئولیت اجتماعی دانشگاه	۳/۲۴	۰/۶۳۸	۱۳۷	۴/۷۲۴**

***: وجود اختلاف معنی دار در سطح یک درصد

با توجه به نتایج منعکس شده در جدول (۱)، میانگین مسئولیت اجتماعی دانشگاه بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران معادل ۳/۲۴ است که با توجه به مقدار t محاسبه شده (۴/۷۲۴-) و با درجه آزادی ۱۳۷ و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می توان با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفت که فرض صفر رد می شود. در واقع، بین میانگین محاسبه شده و میانگین فرضی برای مسئولیت اجتماعی دانشگاه تفاوت معنی داری وجود دارد همچنین پایین بودن مقدار میانگین به دست آمده در مقایسه با میانگین فرضی مؤید آن است که این میزان کمتر از حد مطلوب نشان می دهد. بنابراین وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی در سطحی نه چندان مطلوب قرار می گیرد.

جدول (۲) شاخص های توصیفی، نتایج آزمون t تک نمونه ای حوزه های مسئولیت اجتماعی دانشگاه

مقدار t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	حوزه های مسئولیت اجتماعی دانشگاه
۴/۵۶۱ ^{**}	۱۳۷	۰/۶۶۷	۳/۲۴	دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی
۲/۳۷۷ [*]	۱۳۷	۰/۶۸۳	۳/۳۶	آموزش مسئولانه و معتبر حرفه ای ها و شهروندان
۷/۲۴۲ ^{**}	۱۳۷	۰/۸۱۹	۲/۹۹۴	مدیریت اجتماعی دانش
۱ ^{ns} /۸۷۵	۱۳۷	۰/۷۷۹	۳/۳۷۵	مشارکت اجتماعی و حمایت منسجم دانشگاه از توسعه پایدار

※: وجود اختلاف معنی دار در سطح پنج درصد

※: وجود اختلاف معنی دار در سطح یک درصد

بر اساس جدول (۲)، نتایج اجرای آزمون t در رابطه با حوزه های مسئولیت اجتماعی دانشگاه، دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی (۴/۵۶-)، آموزش مسئولانه و معتبر حرفه ای و شهروندی (۲/۳۷-)، مدیریت اجتماعی دانش (۷/۲۴-) و مشارکت اجتماعی و حمایت منسجم دانشگاه از توسعه پایدار (۱/۸۷-) ثبت شده است. محاسبات مؤید آن است که در سطح معنی داری و درجه آزادی محاسبه شده مربوط به هریک از آن ها، میانگین کلیه حوزه های مسئولیت اجتماعی دانشگاه، تفاوت معنی داری با میانگین فرضی دارد. همچنین، بررسی تفاوت میانگین ها نشان می دهد که همه میانگین ها از مقدار متفاوت منفی برخوردارند یعنی وضعیت همه حوزه ها پایین از متوسط است. بنابراین وضعیت کلیه حوزه های مسئولیت اجتماعی دانشگاه بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران در وضعیت نه چندان مطلوب برآورد شده است. بیان این مطلب حائز اهمیت است که در میان حوزه های مذکور، مدیریت اجتماعی دانش با میانگین ۲/۹۹ کمترین مقدار را دارد.

بحث و نتیجه گیری

از منظر رویکرد سیستمی، دانشگاه به عنوان یک عنصر اساسی از سیستم اجتماعی کلان محسوب می شود. بنابراین، اگر به صورت یک واحد ایزوله^۱ عمل کند، نتیجه آن انزوای دانشگاه خواهد بود و در سطح کلان نیز نمی تواند به صورتی منسجم و یکپارچه فعالیت کند. لذا، ضرورت دارد که دانشگاه ها در نقش دوگانه خود، یعنی توجه به نیازهای جامعه و ترویج فرهنگ مسئولیت اجتماعی آن و همچنین تدوین استراتژی مسئولیت

1. Isolated



اجتماعی در فضای سازمانی خود، کار کنند. دانشگاه به مثابه سازمان، نقش کلیدی در جامعه، متمایز از سازمان‌های دیگر فراخور اهداف، وظایف، مسئولیت‌ها و فرایندهایش ایفا می‌کند. تربیت مدیران، کارآفرینان، نیروی انسانی متخصص، شهروندان اثرگذار و... از اهم این وظایف است. بنابراین، مشارکت‌های گروهی در بخش‌های دولتی و خصوصی جامعه و توسعه هرچه بیشتر مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها از محورهای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی است. لذا، دانشگاه‌ها باید به شکل‌گیری پایگاه و نظام مسئولیت اجتماعی خود اهتمام ورزند تا این مشارکت به نحو احسن صورت گیرد. در واقع، دانشگاه‌ها هستند که می‌توانند ارائه‌دهنده راهکارهایی برای چالش‌های فعلی دنیای امروز باشند. این مسئله نتیجه پدیده جهانی شدن است که لازمه آن تمرکز بیش از پیش دانشگاه‌ها بر گرایش برنامه‌های طراحی شده آن‌ها به منظور حل مشکلات جهانی و منطقه‌ای خواهد بود. دانشگاه تهران نیز از این قاعده مستثنی نیست و به منظور رفع کمبودها و نارسایی‌های خود در این رابطه، باید اقداماتی اساسی صورت دهد.

هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن براساس دیدگاه اعضای هیئت علمی بوده است. یافته‌های پژوهش نیز، گویای این مطلب است که وضعیت موجود دانشگاه تهران در زمینه مسئولیت اجتماعی چندان رضایت‌بخش و مطلوب نیست و حوزه‌های مختلف مسئولیت اجتماعی اعم از: «دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی، آموزش معتبر و مسئولانه شهروندی و حرفه‌ای، مدیریت اجتماعی دانش و مشارکت اجتماعی و حمایت از توسعه پایدار»، چندان مورد مذاقه واقع نشده است؛ بنابراین، وضعیت مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران در قالب ابعاد چهارگانه الگو، به صورتی است که با چالش‌ها و نارسایی‌هایی مواجه است. بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی، تمامی ابعاد چهارگانه الگو در حوزه‌های قابل بهبود دانشگاه تهران قرار دارند. لذا، برای بهبود وضعیت باید عمده فعالیت‌هایی صورت گیرد. بر اساس بررسی مبانی نظری مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، مطالعات تطبیقی و تجارب پژوهشی و کاربردی دانشگاه‌های دنیا، پیشنهادهایی ارائه می‌شود که می‌تواند مورد استفاده دانشگاه مورد مطالعه به منظور تقویت جایگاه مسئولیت اجتماعی و نحوه برخورد آن با این رویکرد قرار گیرد.

راهکارهای پیشنهادی

- به منظور ایجاد تصویر مطلوب درون و برون سازمانی، دانشگاه باید به ارزیابی مستمر پیامدها و تأثیرات اجتماعی استراتژی‌های خود بپردازد. در این راستا لازم است سند چشم انداز و برنامه‌های استراتژیک و بلندمدت خود را بازنگری کرده و با جلب مشارکت تمامی ذی‌نفعان داخلی و خارجی دانشگاه به اصلاح آن‌ها بپردازد.
- با هدف یکپارچگی فعالیت‌ها و اثربخشی بیشتر آن‌ها، ایجاد یک واحد مستقل سیاست‌گذاری و پشتیبانی برای پیشبرد امور مسئولیت اجتماعی دانشگاه توصیه می‌شود.
- در راستای هدف جهانی شدن دانشگاه، پیوستن به شبکه‌های بین‌المللی مسئولیت اجتماعی دانشگاهی و ائتلاف با آن‌ها برای اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مرتبط توصیه می‌شود.
- طراحی و اجرای کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مسئولیت اجتماعی برای ذی‌نفعان دانشگاه و ارتقای فرهنگ و مسئولیت‌پذیری شهروندی آنان با تأکید بر تقویت رویکرد مشارکتی و نگاه تیمی توصیه می‌شود.
- ایجاد مرکز پژوهش‌های مسئولیت اجتماعی در دانشگاه و دانشکده‌های آن به منظور ساماندهی و هدفمند کردن پژوهش‌های مرتبط و تأسیس فصلنامه علمی - پژوهشی در جهت انتشار نتایج پژوهش‌های مسئولیت اجتماعی همراه با برگزاری همایش‌های علمی و تخصصی با هدف به اشتراک گذاشتن یافته‌های پژوهشی و آگاهی بخشی به عموم افراد جامعه قویاً توصیه می‌شود. در وهله اول، انجام پروژه‌های پژوهشی با هدف شناسایی چالش‌ها و موانع پایبندی دانشگاه به مسئولیت اجتماعی و راهکارهای آن توصیه می‌شود.
- در پایان شایان ذکر است، همان‌طور که والا یس اذعان می‌کند، نظر به اینکه دانشگاه به تنهایی نمی‌تواند

چالش‌های جامعه را حل کند، هر اراده‌ای توسط دانشگاه برای مواجهه با چالش‌های مسئولیت اجتماعی، نیازمند مشارکت عمومی تمامی ذی‌نفعان خواهد بود که در تدوین استراتژی‌ها و برنامه‌های مسئولیت اجتماعی باید مدنظر قرار بگیرد (Vallaeyse, 2009).

با این وجود، دانشگاه باید خود را مسئول نسل‌های آتی و رهبران آن‌ها بداند و بتواند دنیای آن‌ها را با همه چالش‌ها، معنویات و روحیاتشان درک کند. آیا توجه به مباحث اقتصادی، پایداری جوامع، دغدغه‌های زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی می‌تواند ما را به درک شایسته‌ای در رابطه با جامعه جهانی و تربیت رهبران آتی برای اخذ تصمیمات کارآمد و تعمیم این تصمیمات در شاخص‌های معنادارتر مسئولیت اجتماعی رهنمون سازد یا خیر؟ ■

Noguera J. M. (2010). University Social Responsibility: methodological development proposal. Cited and retrived 29.06.2011 from <http://web.guni2005.upc.es/news/detail.php?id=1578>.

Reiser, J. (2008). University Social Responsibility definition. Cited and retrived 14.10.2009 from <http://www.usralliance.org/resources/Aurilla-Presentation-Session6.pdf>. Review, 16, 691-718.

Sawasdikosol, Saninuj. (2009). University Socail Responsibility Alliance: Collaboration Foundation to the New Era of University Social Responsibility for Sufficiency Economy, Green Technology, Sustainable Enviroment and Sustainable Development. The Royal Golden Jubilee International Seminar Series LXX. <https://www.linkedin.com/in/saninuj>.

Seto-Pamies, D., Domingo-Vemis, M., & Rabassa-Figueras, N. (2011). Corporate social responsibility in management education: current status in spanish universities. *Journal of Management and Organization*, 17(5), 604-620.

Sullivan, W. M. (2003). The university as citizen: institutional identity and social responsibility. A special report. *The civic Arts Review*, 16(1), 1-14.

T.L. Shek, Daniel. Yuen-Tsang Angelina W.K. Ng Eddie C.W. (2017). University social responsibility and quality of life in Asia & DOI. Springer Nature Singapore Pte Ltd. 10.1007/978-10-3877-8-2.

Vallaeyse, F. (2008). University Social Responsibility: A Mature and Responsible Definition. *Higher Education In The World* 5. <http://www.guninetwork.org/>.

Vallaeyse, Francois et al. (2009). Responsabilidad Social Universitaria. Manual de primeros pasos.

McGraw-Hill, Interamericana. ISBN: 978-1-59782-0.

Vasilescu, R., Barna, C., Epure, M. and Baicu, C. (2010). Developin university social responsibility: A model for the challenges of the new civil society. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 4177-4187.

Vazquez, J. L et al., (2013). Corporate Social Responsibility and Higher Education: Uruguay University Students' perceptions. *Economics & Sociology*, Vol. 6, No 2, pp, 145-157.

Vazquez, J. L et al., (2014). Are students aware of university social responsibility? Some insights from a survey in a Spanish university. Faculty of Economics and Business, University of Leon, Campus de Veganza s/n. Springer-Verlag Berlin Heide. *Int Rev Public Nonprofit Mark*. DOI 10.1007/s 12208-014-0114-3.

فهرست منابع

شفایی، طاهره (۱۳۹۵). شناسایی وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر مدل والایس (مورد: دانشگاه تهران) بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی و ارائه راهکار جهت بهبود آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه.

اسکات، دابلیو. ریچارد و جرارد اف. دیویس (۱۳۸۹). سازمان و سازمان‌دهی: دیدگاه سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز (ترجمه سید رضا سید جوادین و همکاران)، تهران: انتشارات مروارید. فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۲). تدوین الگوی برای بالندگی اعضای هیئت علمی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷۰.

Ahmed, Jamilah. (2012). Can a university act as (CSR) driver? An analysis. *Social Responsibility Journal* Emerald Article, Vol. 8 Iss: 1pp. 77-86. <http://dx.doi.org/10.1108/17471111211196584>.

Alaa Tag Eldin, Mohamed. (2015). A Framework for University Social Responsibility and Sustainability: The Case of South Valley Unuversity, Egypt.

International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic and Management Engineering, Vol. 9. No: 7. Argandona, A. (2012). Otra definicion de responsabilidad social. Catedra " La Caixa" de Responsabilidad Social de la empresa y gobierno corporativo. IESE Business School. Universidad de Navarra.

Atakan, Serap, M. G., & Eker, Tutku. (2014). Corporate Identity of a Socially Re sponsible University: A case from the Turkish Higher Education Sector. *Jornal of Business Ethics*, Vol. 76, No. 1, Corporate Identity, Ethics and Corporate Social Responsibility (Nov., 2007), pp. 55-68. <http://www.jstor.org/stable/25075494>.

Baccarini, Elvio. (2014). The Policy Maker: On Ethics and Public Policy," *Philosophy and Public Issues* (New Series), Vol. 4, No. 3. 83-96, edited by S. Maffettone, G. Pellegrino and M. Bocchiola

Buckely, Walter. (1967). *Sociology and Modern Systems Theory*. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.

European Commission (2006). Implementing the Partnership for Growth and Jobs: Making Europe a Pole of Excellence on Corporate Social Responsibility. Brussels: COM(2006).

Lenuta Rus, Claudia et al., (2014). Learning Organization and Social Responsibility in Romanian Higher Education Institutions. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, No 142, pp. 146-153. <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/3.0/>.